

شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی، اندازه گیری و مقایسه روند آن با تولید ناخالص داخلی برای ایران طی دوره زمانی (۲۰۰۲ - ۲۰۰۷)

صادق بختیاری

استاد - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

bakhtiari@khuif.ac.ir

سمیه قربانی^۱

دانشجوی دکتری - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

ghs3338@yahoo.com

همایون رنجبر

استادیار - دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان

hranjbar@khuif.ac.ir

چکیده

امروزه در مطالعات انجام شده، بیشتر از شاخص های ترکیبی برای اندازه گیری رفاه اقتصادی استفاده می شود. یکی از جامع ترین شاخص های ترکیبی موجود برای سنجش میزان رفاه اقتصادی، شاخص ارائه شده توسط اوزبرگ می باشد که مرکز مطالعات استاندارد زندگی آن را توسعه داده است. این شاخص از بین متغیرهای اقتصادی، بیشترین اهمیت را به اجزاء مرتبط با ابعاد چهار متغیر مصرف، ثروت، توزیع درآمد و امنیت اقتصادی می دهد و در این مطالعه نیز از این شاخص به عنوان معیار جامع رفاه اقتصادی استفاده می گردد. بر این اساس در مطالعه حاضر، پس از معرفی الگوی شاخص رفاه اقتصادی، برای دومین بار مقدار آن برای ایران در دوره زمانی ۲۰۰۲ - ۲۰۰۷ در قالب سه ساختار شاخص با در نظر گرفتن ضرایب مختلف برای اجزاء چهارگانه، مورد محاسبه قرار گرفته است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد بیشترین رشد مربوط به شاخص سوم است. شاخص اول در رتبه دوم و پس از آن شاخص دوم می باشد. با مقایسه روند شاخص رفاه اقتصادی اول و تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی طی دوره زمانی مورد مطالعه، تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی روند رو به رشدی را ارائه می کند اما شاخص رفاه اقتصادی نسبت به سال ۲۰۰۲ ابتدا همراه با روند نزولی توزیع درآمد و موجودی منابع مولد، روند نزولی را دنبال و از سال ۲۰۰۵ با رشد این دو متغیر، رشد مثبت پیدا می کند. و تنها رشد تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی از سال ۲۰۰۵ با رشد شاخص رفاه اقتصادی اول همراه است.

واژه های کلیدی: شاخص رفاه اقتصادی، مصرف، ثروت، توزیع درآمد، امنیت اقتصادی، تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی

^۱ نویسنده مسئول

۱- مقدمه

برای سنجش رفاه اقتصادی از شاخص‌های مختلفی استفاده می‌شود، تولید ناخالص داخلی^۱ سرانه واقعی یکی از این شاخص‌هاست که به گونه‌های متفاوت از آن برای این منظور استفاده می‌گردد. به دلایل مختلف و از جمله عدم توجه به وضعیت توزیع درآمد و امنیت اقتصادی و اینکه مصرف می‌تواند نقش مهم‌تری نسبت به درآمد در ایجاد رفاه داشته باشد، اوزبرگ و شارپ^۲ (۲۰۰۱) با یک نگاه سیستمی تلاش نمودند تا با در نظر گرفتن متغیرهایی که دربرگیرنده چهار بعد مصرف، ثروت، توزیع درآمد و امنیت اقتصادی است یک شاخص جامع ارائه دهند به گونه‌ای که این معیار بتواند تمامی ابعاد رفاه اقتصادی افراد در جامعه را پوشش دهد. از آنجا که هدف دولت‌ها از سیاستگذاری‌ها و اجرای برنامه‌های اقتصادی، تامین نیازهای جامعه و فراهم کردن حداکثر رفاه برای شهروندان می‌باشد، این شاخص که در برگیرنده ابعاد چهارگانه است می‌تواند به اندازه‌گیری و تحلیل واقعی‌تر رفاه در اقتصاد جوامع کمک نماید. شاخص^۳ برای اولین بار توسط اوزبرگ (۱۹۸۵)^۴ معرفی و بعدها توسط خود نامبرده و دیگران تکمیل گردیده است. این شاخص تا به حال بیشتر برای کشورهای توسعه یافته هم چون کانادا، امریکا و برخی از کشورهای عضو سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی^۵ توسط مرکز مطالعات استاندارد زندگی^۶ اندازه‌گیری شده است. این مطالعه برای دومین بار این شاخص را برای ایران مورد محاسبه قرار داده است. نتایج حاصل از این تحقیق می‌تواند به عنوان تابلویی از وضعیت کنونی رفاه اقتصادی جامعه مورد بررسی و معیاری برای اتخاذ تصمیمات مناسب در جهت ارتقاء رفاه اقتصادی آن باشد.

مطالعه حاضر در چهار بخش انجام گرفته است. در بخش اول مبانی نظری پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد و برای این منظور به تحلیل رفاه اقتصادی و مبانی نظری شاخص رفاه اقتصادی پرداخته می‌شود. در بخش دوم الگوی مورد نظر برای محاسبه شاخص، مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و الگوی مورد استفاده با برخی از مطالعات مشابه مقایسه می‌گردد. بخش سوم، تحلیل نتایج حاصل از مطالعه را دربرداشته و روند شاخص با روند تولید ناخالص داخلی مورد مقایسه قرار گرفته است. در بخش پایانی به جمع‌بندی، نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات پرداخته می‌شود.

۲- مبانی پژوهش

۲-۱- مبانی نظری

گرچه رفاه مفهومی است که در تمامی علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد اما با توجه به وسعت دامنه این مفهوم، افراد درک واحدی از آن نداشته و در خصوص اینکه منظور از رفاه چیست، سردرگمی‌هایی وجود دارد. بنابراین روشن شدن مفهوم رفاه، ما را به درک درستی از آن و نحوه اندازه‌گیری آن نزدیک‌تر خواهد کرد. از رفاه^۷ معمولاً معانی خوشبختی، شادی،

^۱ Gross Domestic Product(GDP)

^۲ Osberg and Sharpe (2001)

^۳ The Index of Economic Well-Being(IEWB)

^۴ Osberg (1985)

^۵ Organisation for Economic Co-operation and Development(OECD)

^۶ Centre for the Study of Living Standards(CSLs)

^۷ در زبان فارسی، رفاه را بیشتر معادل welfare در زبان انگلیسی به کار می‌برند. ریشه این کلمه از دو مفهوم Well به معنای خوب و fare به معنای سفر و عرضه غذا است (Oxford Dictionary).

سلامتی، موفقیت و کامیابی استنباط می‌شود. در گذشته این کلمه در ارتباط با مفاهیمی چون شادی و کامیابی مورد استفاده قرار می‌گرفته و استنباط رایج فعلی از آن به قرن بیست برمی‌گردد (گریو، ۲۰۰۸).^۱ ون پراگ (۱۹۹۳)^۲ رفاه را به عنوان بیان دیگری از مطلوبیت در نظر می‌گیرد. پیگو (۱۹۵۰)^۳ عناصر و اصول رفاه را در ارتباط با یکدیگر می‌داند و تنها راه اندازه‌گیری رفاه را پول می‌داند (گریو، ۲۰۰۸). مک گریگور (۲۰۰۷)^۴ معتقد است که این عبارت در مطالعات توسعه‌ای و به صورت عمومی‌تر در فلسفه و علوم اجتماعی، مفهوم جدیدی نیست و بسیاری از کسانی که پیرامون رفاه بحث می‌کنند، مفهوم ارائه شده توسط ارسطو را برای آن به کار می‌گیرند اما پیروان مذاهب، اندیشه‌های خود که مربوط به رفاه است را از دستورات موجود در مذاهب خود، استنباط می‌کنند. در دیدگاه پانیک (۲۰۰۷)^۵ که برگرفته از عقاید ارسطو است، ثروت به خودی خود هدف رفاه نیست بلکه ابزاری است برای رسیدن به منافع که رفاه را دربردارند. از آن گذشته از دیدگاه برخی اقتصاددانان مثل ریکاردو آنچه اهمیت دارد، نحوه توزیع منافع حاصل از رشد اقتصادی است. گروه مطالعاتی ود (۲۰۰۱)^۶ به مفهومی از رفاه اشاره می‌کند که در ارتباط با بهبود وضعیت دیگران و شرایط اجتماعی است، از نظر این گروه، رفاه " ...در نحوه ارتباط با دیگران در جایگاه رفع نیازهای طرفین معنا پیدا می‌کند. به طور عموم مفهومی از رفاه مد نظر است که در آن، فرد قادر است در جهت نیل به اهداف دیگران، خود نیز از کیفیت مناسبی از زندگی لذت ببرد" (مک گریگور، ۲۰۰۷). بنابراین نمی‌توان رفاه افراد را بدون در نظر گرفتن زمینه اجتماعی جامعه مورد مطالعه قرار داد.

تمرکز بر جنبه اقتصادی رفاه به معنای کم اهمیت بودن موضوعات غیر اقتصادی نیست، اما این ایده وجود دارد که در اندازه‌گیری میزان رفاه اقتصادی جامعه نوعی تجمیع شاخص‌های رفاه اجتماعی و اقتصادی صورت می‌گیرد زیرا اگر بخواهیم به صورت هم‌زمان روندهای اجتماعی و اقتصادی در یک شاخص رفاه عنوان شود و عناصر دخیل در این روندها در کنار یکدیگر دیده شود، ارزیابی و اندازه‌گیری میزان رفاه اقتصادی جامعه ضروری به نظر می‌رسد، چراکه بعد اقتصادی رفاه، دربرگیرنده تمامی مسائل مادی، معیشتی و زیرساختی برای داشتن رفاه و آرامش خاطر روانی برای نسل کنونی و آتی است. از دیدگاه شارپ (۱۹۹۹)^۷ سه سوال اساسی که در یک جامعه پیرامون سطح رفاه مطرح می‌گردد عبارت است از: ۱. جایگاه ما کجاست؟ ۲. می‌خواهیم به کجا برسیم و هدفمان در کجا است؟ ۳. چگونه به هدف مورد نظر برسیم؟ و اندازه‌گیری سطح جاری یا روند رفاه اقتصادی، نوعی پاسخ به سوال اول است. در مقاله او سه هدف برای استفاده از شاخص‌های رفاه اجتماعی بیان می‌شود: ۱. نظارت و کنترل تغییرات در شرایط اقتصادی و اجتماعی، ۲. ارائه گزارش‌هایی از رویدادهای اجتماعی جهت روشن‌گری عموم مردم و ۳. پیش‌بینی‌های رویدادهای اجتماعی در آینده.

همچنین اوزبرگ و شارپ (۲۰۰۳) هدف هر نوع شاخص رفاه اجتماعی را کمک به تصمیم‌گیران اقتصادی و اجتماعی و داشتن اطلاعات بهتر از وضعیت موجود و بر اساس آن، تفکر سیستماتیک پیرامون سیاست‌های عمومی و بهبود در تصمیمات می‌دانند. دلیل دیگری که اوزبرگ و شارپ برای رو آوردن به جنبه اقتصادی رفاه ذکر می‌کنند این است که براساس اهداف

¹ Greve (2008)

² Van Praag (1993)

³ Pigou (1950)

⁴ Mc Gregor (2007)

⁵ Panich (2007)

⁶ Western Economic Diversification (WED) (2001)

⁷ Sharp (1999)

سیاسی جامعه، تنها کم و زیاد شدن رفاه، بدون دانستن این که کدام جنبه از رفاه بهبود یا تنزل پیدا کرده است کافی و مثر نیست. همچنین از طرفی برای دانستن عملکرد کشورها، مقایسه بین المللی روند رفاه اقتصادی می تواند بسیار حائز اهمیت باشد و از طرف دیگر نتایج آماره های اقتصادی و اجتماعی که توسط بنگاه های آماری به رای دهندگان و تصمیم گیران سیاسی و اجتماعی ارائه می شود اغلب نشان دهنده میزان موفقیت یا عدم موفقیت سیاست های عمومی است، در توزیع مجدد منابع یا جایگزینی دولت ها دارای نقش بسزایی است. بنابراین محاسبه میزان رفاه اقتصادی موضوعی مهم قلمداد می شود.

در دهه ۱۹۸۰، اوزبرگ (۱۹۸۵) طی مقاله ای، شاخصی را برای رفاه اقتصادی پیشنهاد کرد و اجزاء کلی آن را میانگین سطح جریان مصرف، انباشت متوسط موجودی مولد، عدم تعادل در توزیع درآمدهای فردی و عدم اطمینان نسبت به انتظار درآمدها در آینده معرفی نمود و وزن هر کدام را بسته به ارزش گذاری جامعه مورد بررسی، متفاوت در نظر گرفت. در این مقاله اوزبرگ ضمن شرح و تفسیر اجزاء **IEWB**، فرم جبری این شاخص را به صورت ذیل بیان می کند:

$$IEWB = CF + WS + ID + ES$$

که در این رابطه: **IEWB**: شاخص رفاه اقتصادی است. **CF**: جریان مصرف. **WS**: موجودی دارایی مولد. **ID**: توزیع درآمدهای فردی. **ES**: سطح اطمینان اقتصادی.

شارپ (۱۹۹۹) نیز مقاله ای پیرامون شاخص های عمده رفاه اقتصادی و اجتماعی در سطوح ملی و بین المللی ارائه و پنج شاخص را که از نظر تاریخی روند رفاه را نشان می دهند، مورد بررسی و مقایسه قرار داد. این شاخص ها عبارتند از:

- معیار رفاه اقتصادی^۱ که توسط ویلیام نورد هوس و جیمز توبین^۲ در اوایل دهه ۱۹۷۰ ارائه شده است.
- شاخص پیشرفت واقعی^۳ که موسسه تعریف مجدد پیشرفت سانفرانسیسکو^۴ آن را ارائه کرده است.
- شاخص رفاه اقتصادی^۵ که توسط مرکز مطالعات استانداردهای زندگی^۶، توسعه یافته است.
- شاخص سلامتی جامعه^۷ که مارک میرینگوف^۸ از موسسه نوآوری سیاست اجتماعی وابسته به دانشگاه فوردهام^۹ آن را توسعه داده است.
- شاخص استانداردهای زندگی^{۱۰} که کریستوفر سارلو (۱۹۹۸)^{۱۱} برای موسسه فریزر^{۱۲} آن را ارائه کرده است.

شارپ، به منظور نشان دادن ابعادی که هر یک از این شاخص ها در بردارند جدول (۱) را تنظیم کرد. به طوری که ملاحظه می شود، شاخص رفاه اقتصادی دربرگیرنده بیشترین دامنه متغیرها با ۱۶ متغیر از کل ۲۲ متغیری که در مجموع این پنج شاخص مورد استفاده قرار گرفته اند، بوده و شاخصی جامع به منظور سنجش و اندازه گیری رفاه، حداقل در مقایسه بین این پنج شاخص می باشد.

¹Measure of Economic Welfare(MEW)

² William Nordhaus and James Tobin

³Genuine Progress Indicator(GPI)

⁴ San Francisco-based think tank Redefining Progress

⁵ IEWB

⁶ CSLS

⁷Index of Social Health(ISH)

⁸ Marc Miringoff

⁹ the Institute for Innovation in Social Policy of Fordham University

¹⁰Index of Living Standards(ILS)

¹¹ Christopher Sarlo

¹² the Fraser Institute

جدول (۱)، متغیرهای موجود در هر یک از شاخص‌ها

ILS	ISH	IEWB	GPI	MEW	
✓	✓	•	•	•	درآمد/دستمزد
✓	•	✓	✓	✓	مصرف شخصی
•	•	✓	✓	✓	فعالیت‌های غیر بازاری
•	•	•	✓	✓	فراغت
•	•	✓	•	•	پرداخت دولتی
✓	•	•	•	•	امکانات خانوار
•	•	✓	✓	✓	پرداخت‌های جبرانی
•	•	✓	✓	✓	موجودی سرمایه
✓	•	•	•	•	دارایی‌های مالی
•	•	✓	•	•	تحقیق و توسعه
•	•	✓	✓	✓	منابع طبیعی
✓	•	✓	•	✓	نیل به تحصیلات
•	•	✓	✓	✓	آلودگی
•	•	✓	✓	✓	بدهی خارجی
•	✓	✓	✓	•	توزیع درآمد
•	✓	✓	•	•	فقر
✓	✓	✓	•	•	بیکاری
•	✓	✓	•	•	پوشش برنامه‌های اجتماعی
•	•	✓	•	✓	پرداخت برای سلامتی
•	✓	•	•	•	جرائم
✓	•	✓	•	•	امید به زندگی
✓	•	•	•	•	شاخص‌های اجتماعی

منبع: مقاله شارپ (۱۹۹۹)

امروزه ارگان‌های بین‌المللی چون سازمان ملل متحد و بانک جهانی نیز به شاخص‌های ترکیبی هم‌چون شاخص توسعه انسانی^۱ که به نوعی شاخص ترکیبی و میانگین موزونی از آموزش، کیفیت زندگی و درآمد می‌باشد، توجه زیادی مبذول داشته‌اند و برخی نیز آن را به عنوان شاخص رفاه اجتماعی به کار می‌برند. البته گرچه شاخص توسعه انسانی، در جدول فوق منظور نشده ولی از منظر رفاه اجتماعی، شاخص رفاه اقتصادی قطعاً کامل‌تر و جامع‌تر از شاخص توسعه انسانی می‌باشد.

^۱ Human Development Index(HDI)

در سال ۱۹۹۸ نیز مرکز مطالعات استانداردهای زندگی (CSLS)^۱ مستقر در کانادا، شاخص رفاه اقتصادی (IEWB) را توسعه داد. تمرکز این روش بر اندازه‌گیری جزء اقتصادی رفاه اجتماعی با تاکید خاص بر حساسیت نسبت به میزان حاکمیت بر منابع است که نتیجه آن می‌تواند در توزیع عادلانه درآمد و میزان امنیت اقتصادی منعکس شود. سالزمن (۲۰۰۳)^۲ نگاه جامعی را به روش‌شناسی موجود در ساختار شاخص‌های رفاه اجتماعی و اقتصادی و محدودیت‌های آن ارائه می‌کند. هدف او بررسی انتخاب‌ها در روش‌شناسی ساختار شاخص‌های ترکیبی رفاه است، نظر به این که توسعه دهندگان شاخص‌ها به سیر روش-شناسی ساختار شاخص‌ها بی‌توجه بوده‌اند. در این مطالعه به تغییر رویکرد از GDP سرانه به شاخص‌های ترکیبی برای سنجش میزان رفاه اشاره شده و توسعه روش‌شناسی آماری در ساختار چنین شاخص‌هایی ابزار لازم برای این تغییر رویکرد معرفی می‌شود. رامز (۲۰۰۵)^۳ به تبیین اجزاء ۴ گانه شاخص رفاه اقتصادی (IEWB) می‌پردازد و نحوه محاسبه این اجزاء را به صورت مشروح بیان می‌کند که این اجزاء شامل: ۱. جریان مصرف. ۲. موجودی ثروت. ۳. توزیع درآمد. ۴. سطح اطمینان اقتصادی است.

۲-۲-۲- مبانی تجربی

۲-۲-۲-۱- پیشینه داخلی

حسینی و جعفری صمیمی (۲۰۰۹)^۴ به ارزیابی روند رفاه اقتصادی با استفاده از الگوی اوزبرگ در ارائه شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی^۵ در طول سه برنامه توسعه (۱۹۸۵-۲۰۰۴) برای ایران پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که سطح اطمینان اقتصادی و مصرف به‌طور قابل توجه و شاخص‌های دارایی و تعادل توزیع درآمدها به طور ضعیف‌تری در شاخص رفاه اقتصادی نمایان می‌شوند. با مقایسه روند IEWB با روند GDP سرانه به جز برای سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۲ روند این دو شاخص مشابه است. اما در کل میزان تخمین GDP سرانه بیشتر از IEWB برآورد شده در حالی که رشد IEWB کمتر از رشد GDP سرانه است. این تفاوت می‌تواند حاصل برخی وقایع چون تغییرات تورمی بالا یا عدم برابری باشد که اثر این عوامل در IEWB دیده شده، اما در GDP سرانه دیده نشده است. از طرف دیگر هرچه وزن نسبی امنیت اقتصادی بیشتر در نظر گرفته شود روند این دو شاخص به یکدیگر نزدیک‌تر خواهد بود چراکه شاخص امنیت اقتصادی حدود ۷۹ درصد طی سه برنامه توسعه در ایران افزایش داشته است. روند هر شاخصی با توجه به متغیرهای در نظر گرفته شده در شاخص و وزن‌های این متغیرها تعیین می‌شود.

۲-۲-۲-۲- پیشینه خارجی

اوزبرگ و شارپ (۲۰۰۰) ارتباط بین سرمایه اجتماعی و رفاه اقتصادی را مورد بررسی قرار داده‌اند. برآورد شاخص IEWB برای منتخبی از کشورهای OECD در دوره زمانی ۱۹۸۰-۱۹۹۶ و مقایسه روند آن با روند GDP سرانه گویای اختلاف میزان برآورد آن‌ها و کمتر بودن و ملایم بودن روند IEWB در مقایسه با GDP سرانه است چرا که در شاخص رفاه اقتصادی تاثیر عناصری چون انباشت ثروت، نابرابری یا فقر و عدم امنیت اقتصادی وجود دارد که در GDP سرانه جایگاه مشخصی ندارد.

¹ Centre for the Study of Living Standards

² Salzman, J. 2003

³ Rahmes, K. 2005

⁴ Hosseini, M and Samimi, A. 2009

⁵ CIEWB

گرچه سرمایه اجتماعی در محاسبه GDP جایگاهی ندارد اما شاخص رفاه اقتصادی برای محاسبه ارزش انباشت موجودی سرمایه اجتماعی دارای طرح است چراکه این عنصر برای درک شایسته از رفاه اقتصادی دارای اهمیت به سزایی است.

اوزبرگ و شارپ (۲۰۰۰) با نگاه سیستمی به تولید، مشاهده کردند که در سه دهه گذشته رشد نسبی در GDP سرانه با کاهش بیکاری همراه بوده است. با این توضیح که در این مطالعه اشتغال به عنوان یکی از ورودی‌ها و نهادهای پروسه تولید در نظر گرفته می‌شود نه به عنوان محصول و نتیجه‌ای از پروسه تولید. نرخ بیکاری نیز معیار سنجش کارایی اقتصادی و میزان به‌کارگیری نهاده در پروسه تولید است و هرچند GDP سرانه معیاری برای رفاه اقتصادی محسوب می‌شود اما نگاه به آن نیز تنها به عنوان یک نهاده در روند ایجاد رفاه اقتصادی است. نتیجه این پروسه ایجاد رفاه اقتصادی می‌باشد. رشد رفاه اقتصادی به عنوان محصول این فراورش آرام‌تر از رشد GDP سرانه برآورد شده است. یافته کلیدی این است که اگر رشد در GDP سرانه علی‌رغم کاهش بیکاری منجر به افزایش رفاه اقتصادی نشود، تغییرات اعمال شده در سیاست‌های اجتماعی عامل قصور در این فراورش اجتماعی است. بنابراین باید در طراحی سیاست اجتماعی، اثرات آن بر تمامی اجزاء رفاه اقتصادی اعم از مصرف، انباشت ثروت، توزیع درآمد و امنیت اقتصادی دیده شود و صرفاً افزایش تولید و کاهش نرخ بیکاری منجر به افزایش رفاه اقتصادی نخواهد شد هر چند این دو عامل در کنار یکدیگر نقش بسزایی در ایجاد رفاه اقتصادی دارند.

اوزبرگ و شارپ (۲۰۰۱) با بحث پیرامون عناصر رفاه اقتصادی و تخمین این شاخص برای آمریکا و کانادا بین سال‌های ۱۹۷۱-۱۹۹۹ به ارائه راهکارهایی برای ابتکارات محققان دیگر در ارائه شاخص پرداخته‌اند. از یافته‌های مهم این تحقیق این است که وزن‌های داده شده به اجزاء شاخص رفاه اقتصادی، هم در نوسانات رفاه و هم در برآورد آن، نقش حائز اهمیتی دارند چراکه هرچه وزن داده شده به مصرف کمتر و وزن داده شده به برابری درآمدها و امنیت اقتصادی بیشتر باشد، روند و سطح شاخص تخمینی در مقایسه با GDP سرانه، برای کانادا نسبت به آمریکا دارای شکاف بیشتری خواهد بود.

اوزبرگ و شارپ (۲۰۰۲) به توسعه اندازه‌گیری جدیدی از شاخص رفاه اقتصادی برای کشورهای OECD^۱ بین سال‌های ۱۹۸۰-۱۹۹۶ و مقایسه نوسانات این شاخص جدید با تولید ناخالص داخلی سرانه پرداختند. آنان در این مقاله بحث می‌کنند که دادن وزن‌های مشخص به عناصر رفاه، افراد را در ارزیابی تشخیص نوسانات اقتصاد مدرن توانمند خواهد ساخت هرچند در بروز پدیده‌هایی چون رکود بزرگ به علت اثر معکوس بر وزن این چهار عنصر، نتایج به‌دست آمده از این تخمین قابل استناد و استفاده نخواهد بود. چراکه نتیجه این پدیده‌ها، کاهش اهمیت به نسبت وزنی این عناصر است. نکته اساسی در یافته‌های این تحقیق این است که رفاه اقتصادی در طی دوره ۲۵ سال مورد مطالعه نسبت به تولید سرانه واقعی ناخالص داخلی که شاخصی برای وضعیت رفاه اقتصادی محسوب می‌شود، با نرخ آهسته‌تری افزایش یافته است.

اوزبرگ و شارپ (۲۰۰۳) معتقدند تولید ناخالص داخلی سرانه هرچند عنصر مهمی در شاخص توسعه انسانی است اما به علت عدم توزیع مناسب درآمد بین افراد جامعه در طول زمان و عدم اطمینان از میزان آن در زندگی آتی فرد، شاخص مناسبی برای سنجش میزان رفاه اقتصادی کشور نیست. بنابراین شاخص رفاه اقتصادی و چگونگی محاسبه این شاخص و لزوم اهمیت به آن را تشریح و برآورد آن را برای هفت کشور از جمله آمریکا و انگلستان برای سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۱ ارائه و تحلیل نموده و عنوان می‌کنند که اگر IEWB را معیاری برای اندازه‌گیری میزان حاکمیت و تسلط بر منابع در نظر بگیریم و آن را به عنوان جایگزینی برای GDP در ساختار HDI محسوب کنیم، نتیجه حاصل از آن گویای این واقعیت خواهد بود که اندازه بهتر حاکمیت بر منابع اثر قابل توجهی بر روند و سطح شاخص توسعه انسانی HDI خواهد داشت. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد

^۱Organisation for Economic Co-operation and Development

که در کل هرچه بر سهم بیشتر مصرف جاری متوسط تاکید شود، روند شاخص IEWB به GDP سرانه نزدیک تر خواهد شد. در مقایسه میزان اثرگذاری GDP سرانه و IEWB بر HDI، شاخص رفاه اقتصادی بهترین شاخص برای بیان حاکمیت بر منابع به عنوان قسمتی از شاخص بزرگتر رفاه (HDI) خواهد بود. اگر HDI با شاخصی چون IEWB ترکیب شود می تواند منعکس کننده تمایز عدم امنیت و نابرابری باشد و این ترکیب بیشتر قادر خواهد بود تا تفاوت بین جوامع دولتمند دنیا را از این حیث نشان دهد.

۳- معرفی الگو

در این مطالعه با توجه به مطالب ارائه شده در بخش گذشته، از بین شاخص های رفاه مطرح شده با توجه به تکیه این مطالعه بر جنبه اقتصادی رفاه و ویژگی های خاص شاخص رفاه اقتصادی، این شاخص به عنوان معیاری برای سنجش میزان رفاه اقتصادی مورد توجه واقع شده است. در مطالعه حاضر سعی گردیده است در صورت وجود محدودیت آماری، جهت محاسبه شاخص رفاه اقتصادی برای کشورهای منتخب، متغیرهای جایگزین تشکیل دهنده هر جزء به مدل پایه نزدیک باشد. شکل کلی فرمول این شاخص به صورت زیر است:

$$IEWB = CF + WS + ID + ES$$

اجزاء چهارگانه ای که مقدار شاخص رفاه اقتصادی را اندازه گیری می کنند عبارتند از: ^۱CF: جریان مصرف، ^۲WS: موجودی دارایی مولد، ^۳ID: توزیع درآمدهای فردی و ^۴ES: سطح امنیت اقتصادی. الگوی مورد استفاده در این پژوهش بدین شرح می باشد:

$$IEWB = \alpha_1[(C + G + WT - RE)(LE)] + \alpha_2[K + RD + HC + NR + FDI - ED] + \alpha_3[\beta(PHR) + (1-\beta)(Gini)] + \alpha_4[WWR + b(RHP) + c(PHR) + d(PHR)]$$

اجزاء رابطه ارائه شده در این مطالعه به ترتیب عبارتند از:

• جریان مصرف

رابطه مورد نظر برای محاسبه جریان مصرف، جهت منظور داشتن آن در شاخص عبارتست از:

$$CF = \alpha_1[(C + G + WT - RE)(LE)]$$

که در آن:

^۵C: مخارج مصرفی نهایی خانوار (ثابت دلار ۲۰۰۰).

^۶G: مخارج مصرفی نهایی عمومی دولت (ثابت دلار ۲۰۰۰).

^۷WT: ارزش واقعی سرانه تغییرات در مدت زمان کار.

^۸RE: ارزش واقعی سرانه مخارج جبرانی (جبران خدمات کارکنان، ارزش واقعی سرانه تولید یک ساعت).

^۱Consumption Flows

^۲Wealth Stocks

^۳Income Distribution

^۴Economic Security

^۵real per capitahousehold final consumption expenditure, etc. (constant 2000 US\$)

^۶real per capita general government final consumption expenditure (constant 2000 US\$)

^۷real per capita value of variations in working time

^۸real per capita value of regrettable expenditures

LE¹: امید به زندگی در زمان تولد نسبت به سال و کشور پایه. (ایران به عنوان کشور پایه، ۱۹۹۶ در نظر گرفته شده است).

لازم به توضیح است، مصرف در جامعه از دو جنبه قابل ملاحظه می باشد، از یک طرف میزان مصرف کل در یک سال دارای اهمیت است و از طرف دیگر تعداد سال های مصرف. بنابراین باید ارزش اقتصادی سال های مصرف نیز در جریان مصرف در نظر گرفته شود که این مهم در اضافه کردن جزء شاخص امید به زندگی دیده شده است. جزء ارزش واقعی سرانه مخارج جبرانی که از نسبت تولید ناخالص داخلی به جمعیت فعال به دست می آید، برای خارج کردن میزان احتساب مضاعف از رابطه کسر می شود.

• انباشت ثروت

فرمول محاسبه مقدار این متغیر و اجزاء آن در شاخص بدین شرح است:

$$WS = \alpha_2[K + RD + HC + NR + FDI - ED]$$

K²: سرمایه ثابت ناخالص واقعی سرانه (مصرف سرانه سرمایه ثابت).

RD³: مخارج تحقیق و توسعه واقعی سرانه.

HC⁴: موجودی سرمایه انسانی واقعی سرانه.

NR⁵: موجودی ثروت منابع طبیعی واقعی سرانه.

FDI⁶: سرانه واقعی خالص جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی.

ED⁷: سرانه هزینه اجتماعی واقعی فرسایش محیط زیست (آلودگی ناشی از انتشار گاز دی اکسید کربن).

• توزیع درآمد

فرمول استفاده شده در شاخص برای توزیع درآمد به قرار زیر می باشد:

$$ID = \alpha_3[\beta(PHR) + (1-\beta)(Gini)]$$

β : وزن نسبی است که از میانگین وزنی شدت فقر و ضریب جینی به دست می آید.

PHR⁸: نسبت فقر سرپرست خانوار در حداقل درآمد ۱/۲۵ دلار در روز

Gini⁹: ضریب جینی

برای سنجش نحوه توزیع درآمد، شدت فقر و نابرابری، شاخص های متعددی وجود دارد. از بین تمامی شاخص ها به علت محدودیت آماری و داده و در دسترس نبودن اطلاعات از متغیر نسبت فقر سرپرست خانوار (نسبت فقر خانوار در حداقل درآمد

¹index of life expectancy relative to the base year and country

²real per capita capital stock(Adjusted savings: real per capita consumption of fixed capital(constant US\$))

³real per capita stock of research and development

⁴real per capita stock of human capital(Adjusted savings: real per capita education expenditure(constant US\$))

⁵real per capita stock of natural resource wealth

⁶real per capita Foreign direct investment, net inflows

⁷real per capita social costs of environmental degradation(Adjusted savings: real per capita carbon dioxide damage (constant US\$))

⁸Poverty headcount ratio at \$1.25 a day (PPP)

⁹Gini Index

۱/۲۵ دلار در روز) به کل جمعیت به عنوان معیاری برای سنجش شدت فقر برای این بعد استفاده شده است. با استناد به مطالعات اوزبرگ و شارپ (۲۰۰۲) و حسینی و جعفری صمیمی (۲۰۰۹)، ضریب β با مقدار (۰/۷۵) استفاده شده است.

• امنیت اقتصادی

رابطه مورد استفاده برای امنیت اقتصادی در شاخص رفاه به شرح ذیل است:

$$ES = \alpha_4[WWR + b(RHP) + c(PHR) + d(PHR)]$$

که در آن b : سهم جمعیتی که در معرض ریسک بیماری واقع اند که ۱۰۰٪ در نظر گرفته می شود، بدین معنی که ۱۰۰٪ افراد یک جامعه در معرض خطر بیماری اند. c : نسبت زنان بیکار به کل جمعیت. d : نسبت جمعیت بالای ۶۵ سال به کل جمعیت.

جزء اول، نسبت جمعیت ۱۵-۶۵ سال به کل جمعیت را نیز در برمی گیرد و نشان دهنده ریسک بیکاری است. جزء دوم^۲، نشان دهنده سهم مخارج شخصی کل برای سلامتی در درآمد قابل تصرف است که ریسک امنیت اقتصادی در مقابل بیماری را نشان می دهد و از نسبت مخارج شخصی کل برای سلامتی (HP)^۳ به درآمد قابل تصرف (Disp)^۴ به دست می آید. عبارت سوم بیانگر میزان امنیت اقتصادی زنانی است که تحت پوشش تامین اجتماعی نیستند و جزء چهارم بیانگر احتمال فقر افراد مسن است و میزان امنیت اقتصادی آنان در جامعه را نشان می دهد. برای محاسبه شاخص رفاه اقتصادی لازم است نکاتی را متذکر شد:

الف- جهت محاسبه شاخص رفاه اقتصادی به هر کدام از ابعاد آن به ترتیب، ضرایب مختلفی تعلق می گیرد. علت اختصاص ضرایب متفاوت به اجزاء مصرف، موجودی منابع مولد، توزیع درآمد و امنیت اقتصادی در سه شاخص IEWB1، IEWB2 و IEWB3 به نسبت اهمیت هر جزء در تاثیر بر شاخص رفاه اقتصادی برمی گردد. به این صورت که اگر بر اساس نظریات موجود همانند نظریه مصرف، اثر جزء مصرف را بر رفاه اقتصادی جامعه پررنگ ببینیم بنابراین ضریب بزرگتری برای آن لحاظ خواهیم کرد. در متدولوژی انتخاب ضرایب، به سه روش اشاره می شود: یکی بر حسب سلیقه و تجارب گذشته پژوهشگر و ارائه دهنده شاخص، دوم بر مبنای دیدگاه عموم مردم و سوم بر حسب اهمیت آن در تغییرات شاخص کلی. در مطالعات انجام شده از روش اول استفاده شده است (شارپ، ۱۹۹۹)^۵. در مطالعات انجام شده، تعیین ضرایب بر اساس دیدگاه افرادی همچون سالزمن (۲۰۰۳) و اوزبرگ (۱۹۸۵) است که خود از صاحب نظران در ارائه این شاخص می باشند. در این مطالعه نیز به پیروی از روش اوزبرگ و شارپ (۲۰۰۹) و کار تجربی حسینی و جعفری صمیمی (۲۰۰۹)، در IEWB1 ضریب یکسان (۰/۲۵) به چهار جزء اصلی این شاخص اختصاص داده شده است. ضرایب در IEWB2 به ترتیب (۰/۴) به مصرف، (۰/۱) به موجودی منابع مولد، و ضریب یکسان (۰/۲۵) به دو جزء توزیع درآمد و امنیت اقتصادی داده شده است. این ضرایب در IEWB3 به ترتیب (۰/۷)، (۰/۱)، (۰/۱) و (۰/۱) است.

ب- متغیرها در شاخص، با توجه به مقادیر و واحد هر یک، به صورت عادی قابل جمع زدن نیستند. نحوه تجمیع و استانداردسازی متغیرها و همچنین تعدیل جهت حرکت متغیرهایی چون آلودگی زیست محیطی در جزء موجودی منابع مولد

¹Unemployment, female (%of total population)

²The Ratio of Total private expenditures on health care in Disposable Income (RHP)

³Total private expenditures on health care

⁴Disposable Income

⁵ Sharpe, A. 1999

- و اجزاء دیگر، از مواردی است که برای داشتن حداقل خطا در محاسبه و بهره‌گیری از نتایج واقعی و سطح اطمینان بالا باید به آنها توجه کرد. موارد ذیل جهت تحقق این اهداف استفاده شده است:
- در شاخص رفاه اقتصادی، بیشتر متغیرها بر حسب نیاز، به قیمت ثابت و به صورت سرانه مورد استفاده قرار گرفته است.
- با استفاده از روش استانداردسازی خطی^۱، استانداردسازی متغیرها انجام گرفته است. این روش، متغیرها را در فاصله (۰،۱) رتبه‌بندی می‌کند و اوزبرگ و شارپ (۲۰۰۹) و رامز (۲۰۰۵) نیز به این روش اشاره کرده‌اند.
- با توجه به اثر منفی ابعاد توزیع درآمد و امنیت اقتصادی بر شاخص رفاه اقتصادی، برای هم راستا کردن جهت حرکت متغیرها در مدل، این مقادیر ابتدا در (۱-) ضرب و سپس با عدد (۲) جمع شده‌اند. در نتیجه در این رابطه، افزایش تمامی ابعاد به منزله بهبود وضعیت رفاه اقتصادی خواهد بود. به همین جهت با توجه به ضرایب هر جزء و مقدار آن، مقدار شاخص در فاصله (۰،۲) به دست خواهد آمد.
- نظر به اینکه اوزبرگ در مقالات خود، مفهوم متغیرهای آورده شده در الگو و توجیه اقتصادی هر یک را در محاسبه شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی به طور مفصل توضیح داده است، لذا در این مطالعه سعی گردیده مبنای نظری الگو منطبق بر الگوی پایه بوده و از آن تبعیت شود. گرچه به دلیل عدم دسترسی به اطلاعات برخی از متغیرها به‌ناچار از نزدیک‌ترین و مشابه‌ترین جایگزین به مفهوم ارائه شده در الگوی پایه استفاده شده است.

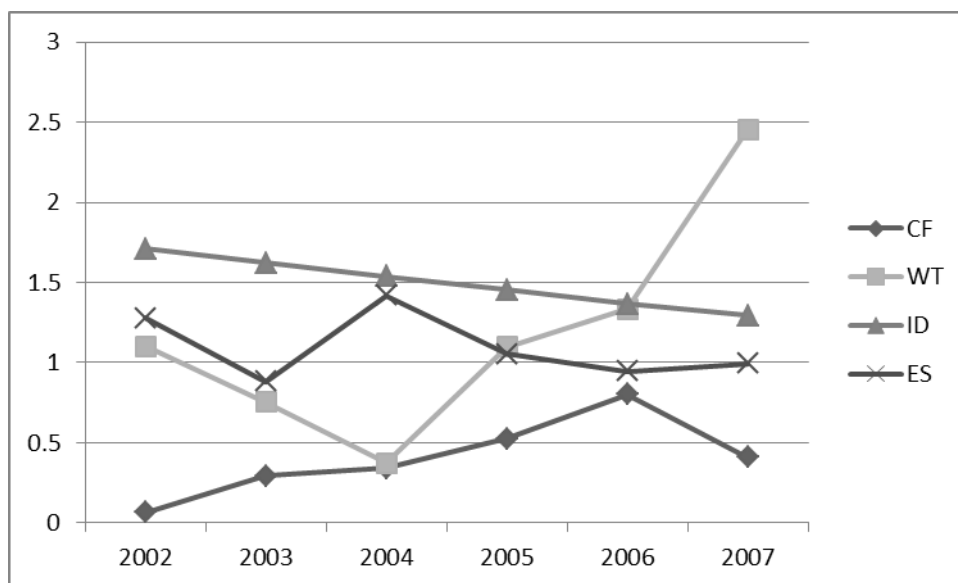
۴- نتایج حاصل از اندازه‌گیری شاخص و اجزاء آن

در این مطالعه به دلیل در اختیار نبودن اطلاعات لازم برای سال‌های بعد از ۲۰۰۷، مقایسه نتایج به همین دوره محدود شده است. در ادامه به نتایج حاصل از اندازه‌گیری اجزاء چهارگانه شاخص و متغیرهای تشکیل دهنده آنها و مقایسه روند شاخص با GDP سرانه واقعی پرداخته می‌شود. مقدار این چهار جزء و رشد آنها طی سال‌های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۷، در جدول (۱) آورده شده و در نمودار (۱) روند آنها طی دوره زمانی مورد مطالعه ترسیم گردیده است.

جدول (۱) ابعاد چهارگانه شاخص رفاه اقتصادی طی سال‌های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۷

ایران	2002	2003	2004	2005	2006	2007	نرخ رشد
CF	0.065604	0.29089	0.342432	0.523223	0.802282	0.407789	0.441122
WT	1.099976	0.752821	0.372028	1.099052	1.332881	2.456284	0.1743
ID	1.708326	1.623364	1.538106	1.452669	1.36717	1.291671	-0.05438
ES	1.277291	0.879494	1.418971	1.053507	0.943631	0.994888	-0.04875

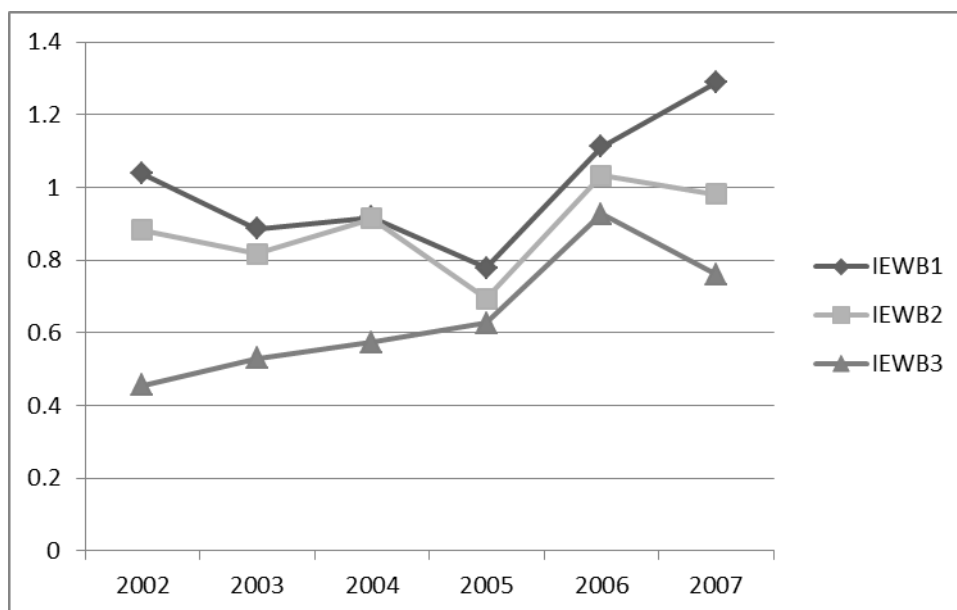
^۱ Linear Scaling Technique(LST)



جریان مصرف، طی سال‌های مورد مطالعه، روند رو به رشد خود با افزایش ۴۴ درصدی را نشان می‌دهد که در سال آخر با کاهش مواجه است. موجودی منابع مولد نیز از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۷، رشد ۱۷/۴ درصد داشته است. این جزء تا سال ۲۰۰۴ کاهش و سپس رشد فزاینده‌ای را تجربه کرده است. توزیع درآمد طی سال‌های مورد مطالعه کاهش ۵/۴ درصد را داشته که در شاخص اثر منفی خود را خواهد داشت. همچنین جزء امنیت اقتصادی در این فاصله زمانی با نرخ ۰/۰۴۹-، کاهش یافته است و بنابراین شاخص را کاهش می‌دهد. در جدول شماره (۲) مقادیر اندازه‌گیری شده شاخص رفاه اقتصادی و رشد آن آورده شده است. در نمودار (۲) نیز روند این سه شاخص با یکدیگر مقایسه گردیده است.

جدول (۲) اندازه‌گیری IEWB1، IEWB2 و IEWB3 و نرخ رشد آنها طی سال‌های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۷

ایران	2002	2003	2004	2005	2006	2007	نرخ رشد
IEWB1	1.037799	0.886642	0.917884	0.779025	1.111491	1.287658	0.044089
IEWB2	0.882643	0.817353	0.913445	0.692651	1.031901	0.980384	0.021227
IEWB3	0.454482	0.529191	0.572613	0.625544	0.925966	0.759737	0.108228



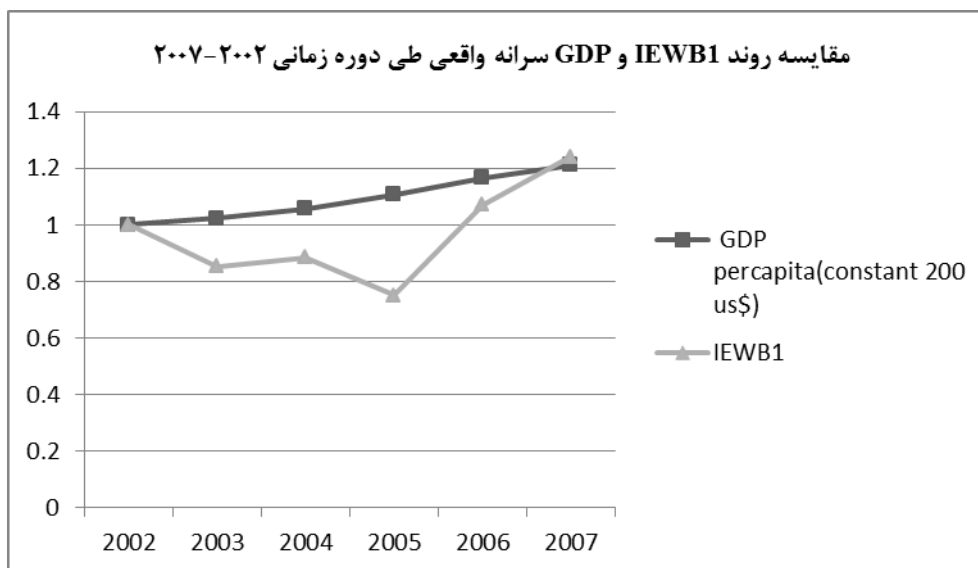
نتایج حاصل از این پژوهش طبق جداول آورده شده نشان می‌دهد که بیشترین رشد شاخص مربوط به **IEWB3** است که در آن ضرایب اجزاء چهارگانه به ترتیب (۰/۷)، (۰/۱)، (۰/۱) و (۰/۱) می‌باشد. **IEWB1** که ضریب یکسان (۰/۲۵) را به چهار جزء اصلی این شاخص اختصاص داده است در رتبه دوم و بیشتر از **IEWB2** است که ضرایب در آن به ترتیب (۰/۴)، مصرف، (۰/۱) به موجودی منابع مولد، و ضریب یکسان (۰/۲۵) مربوط به دو جزء توزیع درآمد و امنیت اقتصادی می‌باشد. اما مقایسه مقادیر این سه زیر شاخص در دوره مقایسه شده نشان می‌دهد که حداکثر میزان این شاخص مربوط به **IEWB1** پس از آن، **IEWB2** و حداقل آن **IEWB3** می‌باشد. بر مبنای یافته‌های تحقیق، هر چند **IEWB3** رشد بیشتری را از خود نشان می‌دهد ولی هرچه ضرایب در نظر گرفته شده برای اجزاء موجودی منابع مولد، امنیت اقتصادی و توزیع درآمد بیشتر باشد مقادیر شاخص بیشتر خواهد بود و این رشد بیشتر در زیرشاخص سوم تنها نتیجه افزایش سهم مصرف بوده است. این مطلب نشان می‌دهد که دو بعد امنیت اقتصادی و توزیع درآمد با توجه به متغیرهای به کار رفته در تعیین مقادیر آنها، می‌توانند نقش برجسته‌ای در مقدار اندازه‌گیری شده این شاخص داشته باشند چراکه هرچه میزان حساسیت جامعه نسبت به این دو جزء بیشتر باشد در تامین رفاه افراد سهم بسزایی را خواهد داشت.

نتایج حاکی از آن است که گرچه در دوره مذکور امنیت اقتصادی و بهبود توزیع درآمد روند مطلوبی را دنبال نکرده و شاهد کاهش میزان این دو جزء هستیم اما با فرض تمایل ترجیحات جامعه به این دو بعد شاخص رفاه اقتصادی نسبت به ترجیحات **IEWB3**، سطح رفاه بیشتری احساس شده است. بنابراین در جامعه مورد مطالعه تامین شرایط و زمینه‌های ایجاد و ارتقاء سطح امنیت اقتصادی بیشتر و توزیع عادلانه‌تر درآمدها می‌تواند در بهبود سطح رفاه جامعه تاثیر چشمگیری داشته باشد. همچنین موجودی منابع مولد از طریق افزایش توان سرمایه‌گذاری در کشور و همچنین ارائه زیرساخت‌های مورد نیاز کشور از جمله تامین سرمایه انسانی، نقش موثری در ارتقاء سطح اقتصادی جامعه خواهد داشت. با مقایسه مقدار **IEWB2** با دیگر زیرشاخص‌ها اهمیت این جزء به خوبی ملاحظه می‌گردد.

از آنجا که GDP سرانه واقعی در گذشته به عنوان شاخصی برای نشان دادن میزان رفاه جوامع مورد استفاده قرار گرفته است، در ادامه به مقایسه روند IEWB1 به عنوان معیاری که بیشترین مقدار را در بین سه شاخص اندازه گیری شده به خود اختصاص داده است با روند GDP سرانه واقعی پرداخته می شود. برای قابل مقایسه بودن مقادیر، در ابتدا این دو متغیر به صورت شاخص بر مبنای سال ۲۰۰۲ تعدیل گردیده اند. در جدول (۳) مقادیر محاسبه شده نشان داده می شود. در نمودار (۳) نیز روند این دو شاخص مقایسه شده است.

جدول (۳). تعدیل IEWB1 و GDP سرانه واقعی نسبت به سال پایه ۲۰۰۲.

ایران	2002	2003	2004	2005	2006	2007
GDP percapita	59696.22	61144.83	63065.93	66084.43989	69599.44	72295.98
شاخص GDP percapita نسبت به سال ۲۰۰۲	1	1.02426634	1.05644758	1.107012153	1.16589357	1.21106466
IEWB1	1.037799	0.886642	0.917884	0.779025	1.111491	1.287658
شاخص IEWB1 نسبت به سال ۲۰۰۲	1	0.85434848	0.88445258	0.750651138	1.07100797	1.24075857



نتایج حاصل از مقایسه روند شاخص محاسبه شده در این پژوهش و تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی نشان می دهد که هرچند طی دوره زمانی مورد مطالعه GDP سرانه واقعی روند رو به رشدی را ارائه می کند اما شاخص رفاه اقتصادی نسبت به

سال ۲۰۰۲ ابتدا همراه با روند نزولی توزیع درآمد و موجودی منابع مولد، روند نزولی را دنبال و از سال ۲۰۰۵ با رشد این دو متغیر، رشد مثبت پیدا می‌کند. و تنها رشد GDP سرانه واقعی از سال ۲۰۰۵ با رشد IEWB1 همراه است. بنابراین همانطور که نتایج حاصل از پژوهش های مختلف انجام شده نشان می‌دهد، GDP سرانه واقعی میزان تغییرات در ابعاد مختلف رفاه از جمله نحوه توزیع درآمد را نشان نمی‌دهد و نمی‌تواند به تنهایی به عنوان معیار و ملاک تصمیم‌گیری های کلان اقتصادی قرار گیرد. از آنجا که شاخص رفاه اقتصادی به عنوان یک شاخص ترکیبی از چهار بعد تشکیل گردیده است لذا توانسته است وضعیت واقعی تری از رفاه را نسبت به تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی نشان دهد.

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

موضوع رفاه و مسئله شاخص‌سازی برای سنجش و اندازه‌گیری آن علی‌رغم اهمیت فراوان، از جمله موضوعاتی است که در مطالعات اقتصادی به‌ویژه در کشور ما مورد توجه جدی قرار نگرفته است. با توجه به ماهیت رفاه و عنایت به این مطلب که، عوامل مختلفی می‌توانند در ایجاد و یا بهبود رفاه نقش داشته باشند، استفاده از شاخص‌های ترکیبی به عنوان راه حلی برای منظور کردن این عوامل پیشنهاد شده است. اوزبرگ و شارپ از جمله اقتصاددانانی هستند که پیشکسوت استفاده از شاخص‌های ترکیبی برای سنجش رفاه می‌باشند. آن‌ها شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی را معرفی و در جهت تکامل بخشیدن آن اقدامات جدی مبذول داشته‌اند. این شاخص هم اکنون در بسیاری از کشورها و مراکز تحقیقاتی برای سنجش رفاه به کار گرفته می‌شود. در مطالعه حاضر، مبانی نظری و الگوی معرفی شده برای اندازه‌گیری شاخص رفاه به بحث و بررسی گذاشته شده و برای دومین بار شاخص مذکور برای ایران مورد اندازه‌گیری و سنجش قرار گرفته است.

طبق نتایج پژوهش نیز شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی می‌تواند معیار بهتری برای تبیین موقعیت رفاهی شهروندان تلقی گردد. چراکه GDP سرانه واقعی میزان تغییرات در ابعاد مختلف رفاه از جمله نحوه توزیع درآمد را نشان نمی‌دهد و نمی‌تواند به تنهایی به عنوان معیار و ملاک تصمیم‌گیری های کلان اقتصادی قرار گیرد. از آنجا که شاخص رفاه اقتصادی به عنوان یک شاخص ترکیبی از چهار بعد تشکیل گردیده است لذا توانسته است وضعیت واقعی تری از رفاه را نسبت به تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی نشان دهد. بنابراین نه تنها میزان تولید ناخالص داخلی برای ارتقاء سطح رفاه اجتماعی و اقتصادی دارای اهمیت است بلکه نحوه توزیع آن از اهمیت بیشتری برخوردار است.

نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد جریان مصرف، طی سال‌های مورد مطالعه، افزایش ۴۴ درصدی، موجودی منابع مولد از سال ۲۰۰۲ تا سال ۲۰۰۷، رشد ۱۷/۴ درصد، توزیع درآمد طی سال‌های مورد مطالعه کاهش ۵/۴ درصد و همچنین جزء امنیت اقتصادی در این فاصله زمانی با نرخ ۰/۰۴۹-، کاهش یافته است. بیشترین رشد شاخص مربوط به IEWB3 است و IEWB1 در رتبه دوم و بیشتر از IEWB2 می‌باشد. اما مقایسه مقادیر این سه زیر شاخص در هر دو سال مقایسه شده نشان می‌دهد که حداکثر میزان این شاخص مربوط به IEWB1، پس از آن، IEWB2 و حداقل آن IEWB3 می‌باشد.

بر این مبنا پیشنهاد می‌گردد با توجه به نتایج حاصل از اندازه‌گیری شاخص رفاه و عنایت به بالا بودن ضریب جزء جریان مصرف نسبت به دیگر اجزاء چهارگانه شاخص، به‌نظر می‌رسد که هدفمند کردن جریان مصرف از اهمیت بالایی برخوردار باشد. همچنین موجودی منابع مولد از طریق افزایش توان سرمایه‌گذاری در کشور و همچنین ارائه زیرساخت‌های مورد نیاز کشور از جمله تامین سرمایه انسانی، نقش موثری در ارتقاء سطح اقتصادی جامعه خواهد داشت. با مقایسه مقدار IEWB2 با دیگر زیرشاخص‌ها اهمیت این جزء به خوبی ملاحظه می‌گردد. از این رو با توجه به اینکه موجودی منابع مولد می‌تواند از طریق جزء

موجودی سرمایه، در جهت افزایش تولید و ایجاد رفاه، نقش موثری داشته باشد، باید ضمن توجه به تحقیق و توسعه و مخارج مربوط به سرمایه انسانی، علاوه بر بهبود رفاه نسل کنونی، زمینه برای رفاه نسل آتی نیز فراهم گردد. علاوه بر این باید مسیرهایی هم چون گسترش بازارهای مالی مورد توجه قرار گیرد تا مردم از طریق سرمایه گذاری در این بازارها و کمک به جریان تولید به رفاه بهتری دست پیدا کنند.

نتایج مطالعه نشان می دهد که دو بعد امنیت اقتصادی و توزیع درآمد با توجه به متغیرهای به کار رفته در تعیین مقادیر آنها، می توانند نقش برجسته ای در مقدار اندازه گیری شده این شاخص داشته باشند چراکه هرچه میزان حساسیت جامعه نسبت به این دو جزء بیشتر باشد در تامین رفاه افراد سهم بسزایی را خواهد داشت. نتایج حاکی از آن است که گرچه در دوره مذکور امنیت اقتصادی و بهبود توزیع درآمد روند مطلوبی را دنبال نکرده و شاهد کاهش میزان این دو جزء هستیم اما با فرض تمایل ترجیحات جامعه به این دو بعد شاخص رفاه اقتصادی نسبت به ترجیحات IEWB3، سطح رفاه بیشتری احساس شده است. بنابراین در جامعه مورد مطالعه تامین شرایط و زمینه های ایجاد و ارتقاء سطح امنیت اقتصادی بیشتر و توزیع عادلانه تر درآمدها می تواند در بهبود سطح رفاه جامعه تاثیر چشمگیری داشته باشد. از طرف دیگر از آنجا که شدت فقر با اثر منفی خود بر شاخص رفاه، از طریق بعد توزیع درآمد و نیز در بعد امنیت اقتصادی در محاسبه شاخص رفاه اقتصادی وارد شده و از جمله متغیرهایی است که مستقیماً در تغییر رفاه نقش دارد از این رو برای بهبود رفاه، سیاست های فقرزدایی و کمک به گروه های فقیر باید سرلوحه سیاست های کلان کشورها قرار گیرد.

با توجه به اهمیت در اختیار بودن آمار و اطلاعات مناسب جهت اندازه گیری دقیق رفاه، جای خالی بسیاری از آمار و اطلاعات لازم برای این منظور کاملاً چشم گیر است. پیشنهاد می شود مرکز آمار ایران با ایجاد یک بخش ویژه برای تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز سنجش رفاه، همواره تغییرات رفاه کشور را رصد نموده و تصمیم گیران سطح عالی کشور را در جریان امر قرار دهد.

فهرست منابع فارسی:

۱. بختیاری ص، رنجبر ه و قربانی س، ۱۳۹۱. شاخص ترکیبی رفاه اقتصادی و اندازه گیری آن برای انتخابی از کشورهای در حال توسعه. فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی، سال سوم، شماره نهم، زمستان ۱۳۹۱.
۲. قربانی س، ۱۳۹۰. معرفی شاخص رفاه اقتصادی و بررسی ارتباط آن با متغیرهای کلان اقتصادی در کشورهای منتخب. پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

فهرست منابع لاتین:

- 1- Greve, B. (2008), "What is Welfare?", Central European Journal of Public Policy. 2(1), pp. 50-73.
- 2- Hosseini, M & Jafari Samimi, A 2009, "An Analysis of Economic Wellbeing Trend in Iran", Journal of Applied Sciences Research, vol. 5, no. 10, pp. 1732-1740.
- 3- Land, Ed 1999, "Social Indicators", in Edgar F. Borgatta and Rhonda V. Montgomery (eds), Encyclopedia of Sociology, revised edition (New York: MacMillan).

- 4- McGregor, J 2007, “*Wellbeing and International Development: Promises and Pitfalls*”, Conference on Wellbeing and International Development University of Bath, 28th June 2007.
- 5- Osberg, L 1985, “*The Measurement of Economic Well-Being*”, in d.Laider(research coordinator).Approaches To Economic Well-Being,Vol.26, Research Studies of the MacDonald Commission.
- 6- Osberg, L & Sharpe,A 1998, “*An Index of Economic Well-Being for Canada*”, Research Paper, Applied research Branch, Human Resources Development Canad.
- 7- Osberg,L & Sharpe,A 2001, “*The Index of Economic Well-being: Overview*”, Revised version of a paper presented at the National Conference on Sustainable Development Indicators organized by the National Round Table Environment and the Economy, March 27, Westin Hotel.
- 8- Osberg, L & Sharpe,A 2002, “*International Comparisons of Trends in Economic Well-Being*”, Social Indicators Research, Vol. 58, Nos. 1-3, pp. 349-382.
- 9- Osberg,L & Sharpe,A 2003, “*Human Well-Being and Economic WellBeing:What Values Are Implicit in Current Indices?*”, CSLS Research Report, 2003-04.
- 10- Oxford University Press 1976, “*Oxford English Dictionary*”, Oxford, U.K: Clarendon Press.
- 11- Pigou, AC 1950, “*The Economics of Welfare*”, Fourth edition, Macmillan, London.
- 12- Panich, M 2007, “*Does Europe Need Liberal Reforms?*” Cambridge Journal of Economics, vol. 31, pp. 145–169.
- 13- Rahmes,K 2005, “*What is the Index of Economic Well-Being*”, /http://:www.csls.com.
- 14- Salzman, J 2003, “*Methodological Issues Encountered in the Construction of Indices of Economic and Social Wellbeing*”, paper presented at the annual meeting of the Canadian Economics Association, Carleton University, Ottawa, Ontario, May 30-June1.
- 15- Sharpe, A 1999, “*A Survey of Indicators of Economic and Social Well-being*”, Paper prepared for Canadian Policy Research Networks, July 22, 1999. Centre for the Study of Living Standards.
- 16- The United Nations Human Development Report,1994-2010.
- 17- Van Praag, B. M. S 1993, “*The Relativity of the Welfare Concept*”, In The Quality of Life, ed. M. Nussbaun and A. Sen.Oxford: Oxford University Press.

Composite Index of Economic Well Being, its Measurement and comparison to Gross Domestic Product for Iran (2002 - 2007)

ABSTRACT

Today In Economic studies, the composite index is often used for measuring economic welfare. One of the current and most comprehensive composite index for measuring level economic well being is the one introduced by Osberg (IEWB) and later have developed by the Centre for the Study of Living Standards (CSLS). In this index among the different economic variables that affect economic welfare, the most importance is given to the components related to four dimensions, namely consumption, wealth, income distribution and economic security. So in this study the IEWB as a comprehensive index of economic welfare has been chosen.

This paper for the second time tries to introduce IEWB and applies it by the use of three structures with different weight for dimensions to the data for Iran at 2002 and 2007 and results have been analyzed. The findings of this study indicate that IEWB3 has a maximum growth rate and IEWB2 is minimum at it. But comparing the measurement of three indexes we found that during these years, IEWB1 is maximum and IEWB3 is at least.

Comparison IEWB1 to GDP per capita during this period, although GDP per capita follows a positive growth, IEWB1 is diminished as same as Income Distribution and Wealth Stock until 2005, after that their positive growth is the same. Just within 2005 the growth of IEWB1 and GDP per capita are at the similar positive path.

Key Concepts: welfare, Index of Economic Well-Being, consumption, wealth, income distribution, economic security, Gross Domestic Product.